



27 فبروری 2024

داکتر سید عبدالله کاظم

سه اشتباه مهم در بیان گزارشات تاریخی:

- 1 - تصویب قانون اساسی 1310 (نه 1309) آنهم نه بوسیله لویه جرگه!
 - 2 - فرق بین اسناد حواله دولتی و پول کاغذی در عصر امانی و تاریخ انتشار آنها،
 - 3 - تاریخ تأسیس پوهنتون کابل در سال 1326 (نه در سال 1311)
- اشتباهات فوق بصورت مکرر و تقلیدی در رسانه ها به نشر میرسند. امید است محققان و نویسندگان از این به بعد با ملاحظه اسناد و تدقیق مزید از تکرار این اشتباهات دوری جسته و در تصحیح آن توجه مبذول دارند.

(موضوع اول)

تصویب قانون اساسی 1310 (نه 1309) آنهم نه بوسیله لویه جرگه!

حزینکه شاه سابق امان الله غازی تصمیم گرفت به تاریخ 2 جوزای 1309 (23 می 1929) قندهار را ترک کند و روانه هند گردید و از آنجا به اروپا رفت، سپهسالار محمد نادر خان در معیت برادران خود با شعار نجات کشور و اعاده سلطنت به شاه سابق از فرانسه به بمبئی (مومبئی کنونی) و سپس از طریق پشاور به سمت جنوبی (پکتیا) وارد کشور شد و مبارزه را علیه حکومت سقوی ادامه داد. پس از هفت ماه با تحمل مشکلات زیاد به حمایت انگلیسها و استعانت قوای قومی وزیر و میسود مقیم ماورای سرحد و تعدادی از قوای مردم جنوبی و حمله به کابل زیر نظر سردار شاه ولی خان بالاخره سقوی ها در کابل به شکست مواجه شدند و امیر حبیب الله کلکانی مجبور به تخلیه ارگ و فرار به کوهدامن گردید. سپهسالار محمد نادرخان که تا انوقت در قریه علی خیل - جاجی در ولایت جنوبی اقامت داشت، روانه کابل گردید. سپهسالار پس از یک روز اقامت در قریه چهلستون (چهاردهی - کابل) بتاريخ 23 میزان 1308 (15 اکتوبر 1929) از آنجا به شهر کابل آمد و در قصر سلام خانه با تجمع عده ای از مردمان سرشناس بطور دراماتیک قبول پادشاهی کرد.

اولین اقدام محمد نادرشاه فعال ساختن چرخهای اداری حکومت بود که در قدم اول با نشر یک ابلاغیه رسمی "خط مشی دولت" را در ده فقره اعلام کرد و آن درحقیقت محور عمومی همه اجراءات حکومت را برای سالهای دراز به شمول محتویات قانونی اساسی تشکیل میداد. در فقره نهم ابلاغیه از: «طرز انتخاب وکلای شورا و مسئولیت وزراء و حکام در برابر وکلای ملت» و در فقره دهم آن درباره «توظیف صدراعظم از طرف پادشاه و مقرری وزراء به پیشنهاد صدراعظم و تائید پادشاه» تذکر داده شده بود.

برطبق دوفقره فوق، اولین کاری که محمد نادرشاه کرد بوسیله فرمان مورخ 22 عقرب 1308 برادر خود سردار محمدشاه خان را به حیث صدراعظم مقرر کرد و موصوف لست ده نفری اعضای کابینه خود را به شاه تقدیم و پس از منظوری شاه حکومت به کار آغاز نمود. همچنان به اساس فقره نهم تدویر لویه جرگه با صدور فرمان خاص پادشاهی اعلام گردید و حکومت لویه جرگه را بتاريخ 18 سنبله 1309 (9 سپتمبر 1930) با اشتراک جمعاً 525 نفر (از جمله 299 نفر از شخصیت های مطلوب به حیث نمایندگان مردم، 207 نفر مامورین عالیرتبه و 18 نفر کوردپلماتیک مقیم کابل) دائر نمود. لویه

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

جرگه اولین جلسه خود را تحت ریاست سردار محمد هاشم خان صدراعظم در تالار "قصر استور" برگزار نمود که مدت ده روز ادامه یافت و اولین هدف آن مظهر مشروعیت بر سلطنت محمد نادر شاه بود. لویه جرگه ضمن تصویب چند موضوع فرعی (از جمله تصویب لایحه انتخابات شورای ملی، لایحه وکلای مجلس مشوره ولایات، نشانها و القاب دولت، تصویب رنگ و نشان بیرق) به یک موضوع دیگر بطور عامدانه و غیر معمول پرداخت که طرح آن در لویه جرگه مورد نداشت یعنی طرح تقاضا و خواهش شاه سابق امان الله غازی برای مطالبه دارایی شخصی خودش و ملکه ثریا یعنی "عین المال". لویه جرگه در این مورد نامه طولانی را با متن تحقیر آمیز عنوانی محمد نادر شاه مبنی بر رد درخواست شاه سابق به تصویب رسانید که محتوای آن بطور واضح خصومت رژیم جدید را با شاه سابق بیان میکرد.

موضوع مهم در این لویه جرگه همانا انتخاب تعداد 110 نفر از بین اعضای خود جرگه به مثابه اعضای اولین شورای ملی بود. این شورا نخستین اجلاس خود را بتاريخ 14 سرطان 1310 (5 جولای 1931) با ایراد بیانیه محمد نادر شاه آغاز نمود و ضمناً وظیفه یافت تا مسوده قانون اساسی جدید را تدوین و تسوید نماید. در ماه میزان آن سال مجلس اعیان با عضویت 27 نفر شخصیت های انتصابی از طرف شاه به میان آمد. هر دو مجلس به شمول 38 نفر دیگر (به انتخاب حکومت) در قصر دلکش مسوده قانون اساسی جدید را که اصلاً از طرف حکومت قبلاً تهیه گردیده بود، تحت عنوان "اصول اساسی دولت علیه افغانستان" بدون مشکل و تعدیل به اتفاق آراء تائید و تصویب نمودند. با این ترتیب تصویب قانون اساسی مذکور نه از طرف لویه جرگه، بلکه از طرف یک مجلس خاص مرکب از اعضای شورای ملی و اعیان و 38 نفر دیگر مشتمل بر بعضی از اراکین حکومت (جمعاً 175 نفر) تصویب شد. این قانون اساسی بعد از توشیح شاه به تاریخ 8 عقرب 1310 (30 اکتوبر 1931) نافذ و قانون اساسی امانی "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" ملغی گردید که این قانون اساسی جدید تا سال 1343 برای مدت 33 سال نافذ و پایبرجا ماند.

با تأسف که رسمیت انفاذ این قانون اساسی در کتب تاریخ و بعضی اسناد رسمی بدون دقت و اشتباه مکرر بنام "قانون اساسی 1309" مسمی و شهرت یافته و اینجانب نیز در آثار قبلی خود به تقلید از آثار دیگران مرتکب این اشتباه گردیده است. این اشتباه تاریخی حتی در فرمان صادره ای اعلیحضرت محمد ظاهر شاه به مناسبت توشیح و انفاذ قانون اساسی 1343 نیز صورت گرفته، چنانچه در فقره اخیر فرمان مذکور تصریح گردیده است که: «سر از امروز قانون اساسی را که از طرف لویه جرگه 1309 هجری شمسی تصویب گردیده و تاکنون در کشور نافذ بود با تمام ضمایم آن ملغی اعلام میداریم. قصر گلخانه - 9 میزان 1343» (متن فرمان دیده شود: محمد علم فیض زاد - کتاب "جرگه های بزرگ ملی افغانستان - لویه جرگه ها"، چاپ اول، لاهور، 1368، صفحه 247)

این اشتباه توسط دفتر شاه و هیئت مربوطه در حالی صورت گرفته بود که در پراگراف اخیر ماده 110 قانون اساسی مذکور به صراحت تذکار یافته بود که: «تعمیل و اجرای احکام مواد اصولنامه هذا را امر و اراده می فرمائیم - تحریر 8 عقرب 1310 شمسی مطابق 19 جمادی الثانی 1350 قمری. محل مهر مقام سلطنت [اعلیحضرت محمد نادر شاه]» (دیده شود: مأخذ فوق، متن "اصول اساسی دولت علیه افغانستان"، صفحه 182 - 183)

به این اساس امید است محققان از این به بعد از تکرار مقلدانه این اشتباه تاریخی اجتناب ورزیده و بجای قانون اساسی 1309 آنرا به قانون اساسی 1310 تصحیح و مسمی سازند.

نکته دیگری که در این ارتباط اشتباه و حتی افتراء پنداشته میشود، اظهاراتی است که در گزارش رسمی دولت افغانستان در دورهٔ صدارت سپهسالار شاه محمود خان غازی به نشر رسیده است و آنهم بعد از آنکه دولت افغانستان عضویت ملل متحد بتاريخ 27 عقرب 1325 (19 نوامبر 1946) کسب کرد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را پذیرفت، حکومت مکلف بود مثل سایر کشورهای عضو آن مؤسسه همه ساله گزارشی را در مورد اجراءات حکومت برای بهبود و رفاهیت حال و حقوق مردم به تأسی از منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر در کشور جهت نشر در سالنامه حقوق بشر به آنجا ارسال نماید. برای اینکار حکومت شاه محمود خان به ریاست مستقل مطبوعات که در آنوقت محمدهاشم میوندوال عهده دار آن ریاست بود، هدایت داد تا همچو راپور را تکمیل و از مجرای وزارت خارجه به دارالانشاء ملل متحد بفرستد. ریاست مستقل مطبوعات گزارش بسیار مشروح را تحت عنوان "معلومات راجع به حقوق بشر در افغانستان" به استناد مواد قانون اساسی به زبان انگلیسی تهیه کرد که متن دری آن در سالنامه 1327 در بیش از 60 صفحه به نشر رسید.

در مقدمهٔ این گزارش رسمی آمده است: «شکر حکومت ملی افغانستان دارای قانون اساسی مکتوبه ای است که در 31 اکتوبر 1931 [9 عقرب 1310] قبول و اتخاذ شده، مطابق این قانون اساسی رژیم حکومت رژیم شاهی مشروطه بوده، همه مواضع و قسمت های مملکت یک هستی و تمامیت واحده را تشکیل میدهد. مملکت منقسم به ولایات بوده و هر ولایت بذریعهٔ یک نایب الحکومه (گورنر) و یک مجلس مشوره اداره میشود. حکومت برای حفظ امنیت و تطبیق قانون دولت بتمام معنی مقتدر است».

در این مقدمه همچنان در ارتباط با قانون اساسی و تاریخ انفاذ آن نکاتی تذکار رفته که بسیار مغشوش و قسماً غیر واقعی میباشد، طوریکه در آن گزارش ذکر شده است: «**یک قانون اساسی مکتوبه در 1931 [1310 - کاظم] و قانون اساسی دومی در 19 اپریل 1932 [مطابق 30 حمل 1311 - کاظم] تنفیذ شده بود. قانون اساسی جدید بذریعهٔ "لویه جرگه" که در جولای 1931 [مطابق ماه سرطان 1310 - کاظم] اجتماع نموده بود، تنفیذ گردید.**» (سالنامه کابل 1327، صفحه 50)

راجع به تاریخ لویه جرگه و تصویب قانون اساسی در گزارش فوق الذکر سالنامه کابل اشتباهاتی صورت گرفته است که باید در اینجا تصحیح گردد، طوریکه در بالا ذکر شد: لویه جرگه بتاريخ 18 سنبله 1309 (9 سپتمبر 1930) دائر گردید و اما این لویه جرگه قانون اساسی را تصویب نکرده است، بلکه به تعداد 110 نفر را از بین خود به مثابه اعضای شورای ملی انتخاب کرد تا مسوده قانون اساسی جدید را تدوین نماید. سپس با تشکیل مجلس اعیان (27 نفر عضو انتصابی) به شمول 38 نفر دیگر (جمعاً 175 نفر) مجلسی در قصر دلکشا دائر گردید که ماهیت لویه جرگه را نداشت و این مجلس مسودهٔ مرتبه قانون اساسی جدید را تحت عنوان "اصول اساسی دولت علیه افغانستان" تصویب نمود که بعد از آن محمدنادر شاه به تاریخ 8 عقرب 1310 (30 اکتوبر 1931) مصوبه آنرا توشیح و انفاذ آنرا اعلام داشت. در اینجا باید تصریح کرد که بتاريخ 19 اپریل 1932 قطعاً لویه جرگه دیگری دائر نشده است تا قانون اساسی دومی (?) را، آنچه در متن گزارش رسمی فوق ذکر شده است، تنفیذ بدارد. این نوع گزارشات دوران واقعیت میتوانند در بررسی های مسایل تاریخی موجب بروز سوء تفاهمات گردند که بهتر است محققان در استناد به آن دقت لازم نمایند.

چون سخن از قانون اساسی آنوقت به میان آمد، باید در مورد ماهیت آن خاطر نشان ساخت که از یکطرف در برخی مواد و کلمات آن قانون اساسی مغشوشیت و ابهام موجود بود و از طرف دیگر آنچه در متن قانون مذکور تذکار یافته بود، با واقعیت های عملی در تطبیق و رعایت مواد آن تناقض داشت،

به این معنی که قانون اساسی مذکور در ظاهر و در متن یک نظام شاهی مشروطه را به تمثیل می گذاشت، طوریکه بعضی از تاریخ نویسان حکومتی هنوز هم به همان منوال به شرح احوال می پردازند، درحالیکه حکومت تا آنوقت در بسا موارد عملاً مغایر با متن قانون اساسی یک نظام خشن مطلقه را پیش می برد که این وضع یک واقعیت غیر قابل انکار بوده است.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په خیر و لولئ